



# زندگی بی دغدغہ آمریکایی

فیلپ راث

سالومہ خدا بخش

## زندگی‌نامه‌ی نویسنده:

فیلیپ راث<sup>۱</sup> در نیوآرک نیوجرسی به دنیا آمد و در محله‌ی ویکوآبیک بزرگ شد. او فرزند دوم بس (نی فینکل) و هرمن راث<sup>۲</sup>، یک دلال بیمه می‌باشد. والدین‌اش نسل اول آمریکایی و خانواده‌های آنها اهل گلیشیا<sup>۳</sup> بودند. او از دبیرستان ویکوآبیک نیوآرک در حدود سال ۱۹۵۰ فارغ‌التحصیل شد. سالنامه‌ی ویکوآبیک (۱۹۵۰) راث را این‌گونه توصیف می‌کند: «یک پسر با هوش واقعی، همراه با شوخ‌طبعی و عقل سلیم.» در مدرسه او را به عنوان یک کم‌دین می‌شناختند. راث در دانشگاه باکنل حضور یافت و در رشته‌ی زبان انگلیسی مشغول به تحصیل شد. وی تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه شیکاگو دنبال کرد، جایی که در سال ۱۹۵۵ مدرک ادبیات زبان انگلیسی را در مقطع کارشناسی ارشد دریافت نمود و برای مدت کوتاهی در برنامه‌ی نگارش دانشگاه به عنوان یک آموزگار کار کرد. در دانشگاه آیوا و دانشگاه پرینستون مشغول تدریس نگارش خلاقانه شد. حرفه‌ی دانشگاهی خود را در دانشگاه پنسیلوانیا ادامه داد، جایی که پیش از بازنشسته شدن در سال ۱۹۹۱ به تدریس ادبیات تطبیقی مشغول بود.

در حالی که راث در شیکاگو بود، در سال ۱۹۵۶ با رمان‌نویس سال بلو<sup>۴</sup> و هم‌چنین با مارگارت مارتینسن<sup>۵</sup> ملاقات نمود، کسی که در سال ۱۹۵۹ همسر اول او شد. جدایی آنها در سال ۱۹۶۳، همراه با مرگ مارتینسن در یک تصادف در سال ۱۹۶۸، نشان ماندگاری را بر میزان تولید ادبی راث به جا گذاشت. خصوصاً اینکه،

---

<sup>۱</sup> Philip Roth

<sup>۲</sup> Bess (née Finkel) and Herman Roth

<sup>۳</sup> Galicia

<sup>۴</sup> Saul Bellow

<sup>۵</sup> Margaret Martinson

مارتینسن الهامبخش شخصیت‌های زن او در رمان‌های متعدّدش، از جمله لوسی نلسن در وقتی او خوب بود<sup>۱</sup> و مورین تارنپل در زندگی من به عنوان یک مرد<sup>۲</sup> بود. در میان پایان مطالعاتش و انتشار اولین کتاب خود در سال ۱۹۵۹، راث دو سال در ارتش ایالات متحده خدمت کرد و سپس برای مجله‌های متعدّد داستان‌های کوتاه و نقد، از جمله نقد فیلم که برای نیو ریپابلیک نوشت. در سال ۱۹۹۰، راث با همدم طولانی‌مدت خود، کلیر بلوم<sup>۳</sup>، بازیگر انگلیسی ازدواج کرد. در سال ۱۹۹۴ از هم جدا شدند و بلوم یک گزارش شخصی به نام ترک خانه‌ی یک عروسک<sup>۴</sup>، در سال ۱۹۹۶ منتشر کرد که توصیفی از ازدواج این زوج به تفصیل بود که بیشتر آن از نظر راث ناخوشایند می‌نمود. جوانب مشخصی از من با یک کمونیست ازدواج کردم از سوی منتقدان تکذیب سر بسته‌ی تهمت‌هایی است که در گزارش شخصی بلوم مطرح شده است.

برخی از آثار او عبارتند از: خداحافظ کلامبس (۱۹۵۹)، وقتی او خوب بود (۱۹۶۷)، زندگی من به عنوان یک مرد (۱۹۷۴)، نویسنده‌ی پشت پرده (۱۹۷۹)، زوکرمن ره‌اشده (۱۹۸۱)، درس کالبدشناسی (۱۹۸۳)، زندگی بی‌دغدغه‌ی آمریکایی (۱۹۹۷)، من با یک کمونیست ازدواج کردم (۱۹۹۸)<sup>۵</sup> و غیره.

ناگفته نماند که شش رمان و داستان کوتاه او به صورت فیلم درآمد و همچنین در سال ۲۰۱۵ اقدام به ساخت فیلم زندگی بی‌دغدغه‌ی آمریکایی شده است. رمان

<sup>۱</sup> Lucy Nelson in *When She Was Good*

<sup>۲</sup> Maureen Tarnopol in *My Life as a Man*

<sup>۳</sup> Claire Bloom

<sup>۴</sup> *Leaving a Doll's House*

<sup>۵</sup> *Goodbye, Columbus* (1959), *When She Was Good* (1967), *My Life as a Man* (1974), *The Ghost Writer* (1979), *Zuckerman Unbound* (1981), *The Anatomy Lesson* (1983), *American Pastoral* (1997), *I Married a Communist* (1998)

حاضر در سال ۱۹۹۸، برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر<sup>۱</sup> و جزء «۱۰۰ رمان برتر بی‌سابقه»<sup>۲</sup> تایم شد. کمی بعد پارامونت پیکچرز<sup>۳</sup> توانست حق فیلم‌سازی این رمان را از آن خود کند. در سال ۲۰۰۶، در مسابقه‌ی «بهترین اثر داستان آمریکایی در ۲۵ سال اخیر کدام است؟» که از سوی نقد کتاب نیویورک تایمز<sup>۴</sup> برگزار شده بود یکی از رمان‌های دوم شد.

<sup>۱</sup> Pulitzer Prize: یکی از هفت جایزه پولیتزر آمریکایی که هر ساله برای داستان، نمایش‌نامه و موسیقی اعطا می‌گردد.

<sup>۲</sup> Time's "All-TIME 100 Greatest Novels"

<sup>۳</sup> Paramount Pictures: استودیوی تهیه و توزیع فیلم و برنامه‌های تلویزیونی آمریکایی، که از نظر درآمد،

به‌عنوان یکی از بزرگترین استودیوهای فیلم‌سازی جهان می‌باشد.

<sup>۴</sup> the New York Times Book Review

### پیش‌گفتار مترجم

زندگی بی‌دغدغهی آمریکایی درباره‌ی یک خانوادهی یهودی است که به آمریکا نقل مکان کرده، در آنجا سکنی گزیده و صاحب فرزند شده‌اند. پسر بزرگ ورزشکار آن‌ها شخصیتی افسانه‌ای در محله دارد و همگان شیفته‌ی او و توانایی‌های بی‌مثالش هستند. این پسر سعی دارد روز به روز موفقیت بیشتری در این کشور کسب کند و بتواند زندگی ایده‌آلی داشته باشد که در طول داستان حوادثی ناخواسته گریبان‌گیرش می‌شود و داستان زندگی این پسر از زبان یکی از هم‌محله‌ای‌های او نقل می‌شود.

این داستان پیش از این و تا جایی که اینجانب مطلع هستم به فارسی ترجمه نشده است.

با آوردن پانویس سعی کردم خواننده را از اطلاعات بیشتری بهره‌مند سازم، امید آن است که خواننده‌ی محترم از تورق این اثر ادبی، تاریخی و هنری لذت ببرد.

بهار ۹۵

نس.خ.

ما شبیه هم هستیم.

جین فریک<sup>۱</sup>

به هنگامی که روز سر می‌آید به رویا پرداز،

رویا داشته باش و شاید این رویا تحقق یابد،

چیزها آن‌قدر که به نظر می‌آید بد نیست،

پس به رویا پرداز، به رویا پرداز، به رویا پرداز.

جانی مرسیر<sup>۲</sup>،

از ترانه‌ی مشهور دهه‌ی ۱۹۴۰ به نام «رویا»<sup>۳</sup>

کمتر اتفاق می‌افتد، هرآنچه که انتظار می‌رود ...

ویلیام کارلوس ویلیامز<sup>۴</sup>، از «در خانه‌ی کینس برک»،<sup>۵</sup> ۱۹۴۶

<sup>۱</sup> Jean Frick

<sup>۲</sup> Johnny Mercer

<sup>۳</sup> "Dream"

<sup>۴</sup> William Carlos Williams

<sup>۵</sup> "At Kenneth Burke's Place,"